

# رده‌بندی‌های مردمی در مقابل واژگان مهار شده: رویکردهای نظری

مهدی خادمیان \*

دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی

کارشناس مستند سازی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

مرتضی کوبکی

دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی

استاد گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

پذیرش: ۹۵/۱۰/۱۳

دریافت: ۹۵/۴/۲۶

فصلنامه علمی پژوهشی  
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران  
شاپا(چاپی) ۸۲۲۳-۲۲۵۱  
شاپا(الکترونیکی) ۸۲۳۱-۲۲۵۱  
نمایه در SCOPUS و LISA و ISC  
<http://jlist.irandoc.ac.ir>  
دوره XX | شماره X | صص XX-XX  
۱۳XX X

نوع مقاله: مروری

**چکیده:** مرور نوشتارهای معرفت‌شناختی و شناسایی رویکردهای نظری مربوط به رده‌بندی‌های مردمی و مقایسه آنها با مبانی نظری واژگان مهار شده هدف این مقاله است. روش پژوهش کتابخانه‌ای است. با مرور نوشتارها، رویکردهای نظری مربوط به رده‌بندی‌های مردمی یعنی نظریه اجتماعی انتقادی، سازه‌گرایی اجتماعی، نسبی-گرایی، و اساسی و مهمان‌نوازی دریدایی شناسایی، نقد و بررسی و با مبانی نظری واژگان مهار شده مقایسه شده است. در رویکردهای نظری بررسی شده بر این نکته تأکید شده است که افراد و کاربران از تجارب و دانش‌های متفاوتی برخوردار هستند، بنابراین مفاهیمی متفاوت در ذهن آنها شکل گرفته است و از واژه‌هایی متفاوت برای بیان این مفاهیم استفاده می‌کنند که به طور نسبی از یک کاربر تا کاربر دیگر متفاوت است. این تنوع مفاهیم در قالب نظام رده‌بندی‌های مردمی قابلیت بروز دارد. اما در نظام واژگان مهار شده فقط مفاهیمی که در ذهن فهرست‌نویس یا مستندساز وجود دارند قابلیت بروز دارند که ممکن است با مفاهیمی که در ذهن کاربران هستند متفاوت باشند. از طرف دیگر، نسبی بودن می‌تواند مسأله عدم یکدستی را به وجود بیاورد و برای رده‌بندی‌های مردمی یک نقطه ضعف تلقی می‌شود، در حالیکه در واژگان مهار شده یکدستی مورد توجه قرار گرفته است و از نقاط قوت این نظام محسوب می‌شود. نتیجه‌گیری اینکه رویکردهای نظری بررسی شده می‌توانند مبنای نظری مناسبی را برای قضاوت درباره قابلیت‌ها، ویژگی‌ها، مزایا و معایب رده‌بندی‌های مردمی و مقایسه آنها با واژگان مهار شده فراهم کند، ولی قابلیت عمومیت بخشی آنها به یافته‌های پژوهش‌های آینده بستگی دارد.

**کلیدواژه‌ها:** رده‌بندی‌های مردمی؛ فوکسونومی‌ها؛ برجسب‌های اجتماعی؛ واژگان

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

**دوره متن:**

(مخادمیان و کوبکی، زودآیند)

**در فهرست منابع:**

مخادمیان، مهدی؛ کوبکی، مرتضی. زودآیند. رده‌بندی‌های مردمی در مقابل واژگان مهار شده: رویکردهای نظری. پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات.

<http://jipm.irandoc.ac.ir> (دسترسی در

روز/ماه/سال)

مهار شده؛ نظریه اجتماعی انتقادی؛ سازه گرایی اجتماعی؛ نسبی گرایی؛ مهمان‌نوازی  
و واسازی از دیدگاه دریدا.

\*پدیدآور رابط Mahdik55@gmail.com

#### ۱. مقدمه

نمایه‌سازی موضوعی تاریخچه‌ای طولانی در مطالعات علم اطلاعات و دانش‌شناسی دارد. توسعه  
واژگان مهارشده‌ی موضوعی (مانند سرعنوان‌های موضوعی کتابخانه کنگره) در دهه‌ی اول قرن  
۲۰ میلادی اهمیت فراهم کردن دسترسی موضوعی به منابع اطلاعاتی را نشان می‌دهد ( Kipp  
2011). نمایه‌سازی با استفاده از واژگان مهارشده و اصطلاح‌نامه‌ها، روش رایجی است که برای  
حل مسائل مربوط به زبان طبیعی و از بین بردن ابهام استفاده شده است. این نظام‌ها تا حد زیادی به  
واسطه‌های اطلاعاتی حرفه‌ای متکی هستند (Kipp 2005). نمایه‌سازی دستی مبتنی بر واژگان  
مهارشده می‌تواند از طریق منطبق‌پذیر کردن زبان‌های طبیعی، حذف موارد ابهام‌آمیز و شناسایی  
اصطلاح‌های مشابه، محدودیت‌های ذاتی برای دسترسی به اطلاعات مرتبط را کاهش دهد. علی  
رغم این مزایا، مشخص شده است که تخصیص اصطلاح‌های موضوعی بر مبنای واژگان مهار شده  
معایبی نیز دارد. معایب متداول عبارتند از: "فقدان خاص بودن موضوع‌ها در برخی حوزه‌های  
موضوعی، نیاز به سرمایه‌گذاری زیاد مالی، صرف وقت، تعلیم و مهارت و مداخله متخصصان"  
(Wu et al. 2013). به عبارت دیگر، اگرچه پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نظام‌های نمایه‌سازی  
سستی می‌توانند برای بازیابی مؤثر اطلاعات مفید باشند و بازیافت و دقت بازیابی را بهبود بخشند،  
اما به دلیل این که انجام این شیوه نمایه‌سازی نیازمند صرف زمان و هزینه زیاد بود، روش‌های  
جایگزین دیگری مورد توجه قرار گرفتند.

با پیدایش فناوری‌های وب ۲ که بر حوزه‌های فردی و اجتماعی و رشته‌های علمی مختلف  
تأثیرگذار بوده است، کاربران به بخشی از نظام‌ها یا خدمات تبدیل شده‌اند. وب ۲ نسل دوم  
خدمات وب است که بر مشارکت و اشتراک، شبکه‌های اجتماعی و برجسب‌گذاری تأکید دارد  
و قدرت خرد جمعی را نشان می‌دهد (Nashipudi ۲۰۱۲). کتابخانه‌ها نیز تحت تأثیر فناوری‌های

وب ۲ قرار گرفته‌اند، بنابراین پس از پیدایش این فناوری‌ها، مفهوم کتابخانه ۲ مطرح شد. یکی از مفاهیمی که در کتابخانه ۲ مورد توجه است رده بندی‌های مردمی یا فوکسونومی‌ها است. رده-بندی‌های مردمی به عنوان یک روش نمایه‌سازی جدید نسبت به روش‌های نمایه‌سازی سنتی از قابلیت‌های متفاوتی برخوردار است، تعامل و مشارکت ویژگی منحصر به فرد این روش نمایه‌سازی است.

برای شناخت بهتر رده‌بندی‌های مردمی به عنوان یک جایگزین برای واژگان مهار شده، درک مبانی نظری مطرح شده در حوزه موضوعی فناوری‌های وب ۲، کتابخانه ۲ و بویژه رده بندی‌های مردمی ضروری است. در این مقاله نوشتارهایی که به رویکردهای نظری مربوط به سازماندهی دانش با استفاده از رده‌بندی‌های مردمی و واژگان مهار شده پرداخته‌اند، بررسی، نقد و مقایسه می‌شود بنابراین، مرور نوشتارهای پژوهشی مربوط به رده‌بندی‌های مردمی و برجسب‌های اجتماعی و مقایسه آنها با واژگان مهار شده و سرعنوان‌های موضوعی در حیطه این مقاله قرار نمی‌گیرد.

## ۲. رویکردهای نظری

قبل از پرداختن به رویکردهای نظری مطرح شده در این حوزه، پرداختن به برخی از مفاهیم مبنایی مانند «فرهنگ مشارکتی»<sup>۱</sup>، «هوش جمعی»<sup>۲</sup> و «همگرایی رسانه‌ای»<sup>۳</sup> مفید است.

«فرهنگ مشارکتی» فرهنگی است که در آن مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان اطلاعات به‌جای اینکه کاملاً از یکدیگر جدا باشند با یکدیگر کار می‌کنند (Jenkins 2006). برای مثال، کاربرانی که تولیدکننده آثار هستند و محتواهای اطلاعاتی را خلق می‌کنند، می‌توانند به اطلاعاتی که خلق کرده‌اند برجسب‌های موضوعی تخصیص دهند و به سازماندهی آنها کمک کنند (Hansson 2014). در دنیایی که فرهنگ مشارکتی بر آن حاکم است مفاهیم معنای خاص خود را پیدا می‌کنند. مثلاً بین دو مفهوم «کنش‌پذیری»<sup>۴</sup> و «مشارکت»<sup>۵</sup> تفاوت به وجود می‌آید.

<sup>1</sup> participatory culture  
<sup>2</sup> collective intelligence  
<sup>3</sup> media Convergence  
<sup>4</sup> interactivity  
<sup>5</sup> participation

«کنش‌پذیری» معمولاً توسط تولیدکننده رسانه ایجاد می‌شود و اغلب بخشی از خود فناوری و این ویژگی ممکن است برای کاربران محدودکننده نیز باشد. اما، در مقابل، «مشارکت» بخشی از فرهنگ حاکم است. این بدین معناست که افراد می‌توانند با مشارکت همدیگر با فناوری، محتوا و همچنین تولیدکننده در ارتباط باشند و بلکه فرهنگ حاکم را شکل دهند و موجب تغییر زیرساخت‌های فناوری شوند (Jenkins 2006).

مفهوم «هوش جمعی» وقتی معنی پیدا می‌کند که انبوهی از افراد، که احتمالاً زمینه‌های فکری متنوع و ایدئولوژی‌های متفاوتی دارند، با تلاش‌های جمعی خود به خلق یا مدیریت دانش می‌پردازند و اجماع بزرگ قابل تشخیص و نمایانی بین همه آنها شکل می‌گیرد. هوش جمعی در نظام‌های سازماندهی دانش مانند رده بندی‌های مردمی برای مدیریت و حتی خلق اطلاعات قابلیت کاربرد دارد. مثلاً در «ابر برچسب‌ها»<sup>۱</sup>، برچسب‌های برجسته و نمایانی که توسط جمعی از افراد انتخاب شده است اجماع آنها را نشان می‌دهد و احتمالاً درست‌ترین برچسب‌ها خواهند بود (Hansson 2014).

«همگرایی رسانه‌ای» وقتی رخ می‌دهد که رسانه‌ها در قالب چند ابزار رسانه‌ای قابل دسترس هستند (Jenkins 2006). برای مثال، یک موسیقی خاص در قالب‌های مختلف و چندگانه‌ای مانند رادیو، دستگاه‌های پخش موسیقی رقمی (مانند آی‌پاد<sup>۲</sup>)، سی‌دی و رایانه قابل پخش است.

مفاهیم فرهنگ مشارکتی، هوش جمعی و همگرایی رسانه‌ای ویژگی‌های منحصر به فردی دارند که با پیدایش و توسعه فناوری‌های وب ۲ به منصفه ظهور رسیده‌اند و همین ویژگی‌ها آنها را از فناوری‌های قبلی متمایز می‌کند.

مرور پژوهش‌های معرفت‌شناختی در سازماندهی دانش با استفاده از قابلیت‌های وب ۲ نشان می‌دهد که مبانی نظری و فلسفی متفاوتی برای این رویکرد مطرح شده‌اند که با مبانی نظری رویکرد

<sup>1</sup> tag clouds  
<sup>2</sup> iPod

سنتی سازماندهی دانش متفاوت هستند. نظریه اجتماعی انتقادی<sup>۱</sup>، سازه‌گرایی اجتماعی<sup>۲</sup>، نسبی-گرایی<sup>۳</sup>، مفهوم مهمان‌نوازی و واسازی از دیدگاه دریدا<sup>۴</sup> از جمله چارچوب‌های نظری هستند که قابلیت‌های وب<sup>۲</sup>، کتابخانه<sup>۲</sup> و رده‌بندی‌های مردمی با استفاده از آنها تبیین شده‌اند.

### ۳. نظریه اجتماعی انتقادی

«نظریه انتقادی»<sup>۵</sup> یک جنبش فلسفی در قرن بیستم است که منتقد جامعه و فرهنگ است. این نظریه از سوی فیلسوفان «مکتب فرانکفورت»<sup>۶</sup> ارائه شد و بر مبانی نظری رشته‌های حوزه‌های علوم اجتماعی و انسانی در قرن بیستم تأثیرگذار بوده است. «ماکس هورکهایمر»<sup>۷</sup> برای اولین بار نظریه انتقادی را در مقابل نظریه سنتی که مبتنی بر روش‌شناسی دکارت بود مطرح کرد. او نظریه‌های سنتی را به دلیل اینکه ساختارهای اجتماعی و تأثیری را که بر شکل‌دهی دانش دارند نادیده گرفته بودند مورد انتقاد قرار می‌دهد. پس از او، سایر فیلسوفان «مکتب فرانکفورت» به تبیین و تکمیل «نظریه انتقادی» پرداختند. «یورگن هابرماس»<sup>۸</sup> «نظریه اجتماعی انتقادی» را مطرح، و اصطلاح «فضای عمومی»<sup>۹</sup> را ابداع و جنبه‌های تعامل اجتماعی را به «نظریه انتقادی» اضافه کرد. از نظر او اطلاعات به مثابه اکیژن مردم‌سالاری است که در فضاها فکری و اجتماعی پراکنده می‌شود و اگر فرایند تولید، توزیع و مصرف اطلاعات آزاد باشد و حداکثر افراد اجتماع در آن مشارکت داشته باشند، مردم‌سالاری واقعی به وقوع خواهد پیوست.

هابرماس در «نظریه اجتماعی انتقادی» بر عقل انسانی تأکید دارد و از نظر او عقل به منزله رمزگشا برای پیام‌های اجتماعی عمل و مفهوم‌سازی از جهان را امکان‌پذیر می‌کند. عقل انسانی از «جهان زندگی»<sup>۱۰</sup> نشأت می‌گیرد و تجربه‌های زندگی شامل فشارهای نیمه هشیار، احساس‌ها و معانی

<sup>1</sup> critical social theory

<sup>2</sup> social constructivism

<sup>3</sup> relativism

<sup>4</sup> derridean concept of hospitality and deconstruction

<sup>5</sup> critical theory

<sup>6</sup> Frankfurt School

<sup>7</sup> Max Horkheimer

<sup>8</sup> Jürgen Habermas

<sup>9</sup> public sphere

<sup>10</sup> lifeworld

شکل گرفته در ذهن انسان بر آن مؤثر هستند. «جهان زندگی» در برگیرنده معانی و ارزش‌هایی است که از تجربه‌های زندگی نشأت می‌گیرند (Pentarchou 2014). بنابراین، جهانی که انسان در آن زندگی می‌کند، تجربه‌هایی که می‌اندوزد و دانشی که کسب می‌کند بر مفاهیم شکل گرفته در ذهن انسان تأثیرگذار است؛ این مفاهیم متفاوت ممکن است در قالب واژه‌ها یا برجسب‌های اجتماعی مختلف بیان شوند.

«نظریه اجتماعی انتقادی» مطرح شده توسط هابرماس بر مفاهیمی مانند مشارکت، ارتباط، «برابری حقوق»<sup>۱</sup> و مردم‌سالاری تأکید دارد. در جامعه‌های برخاسته از فضا‌ی اجتماعی هستند «برقراری ارتباط»<sup>۲</sup> و «آزادی ارتباط»<sup>۳</sup> تسهیل می‌شود. تشویق کاربران به مشارکت، به کثرت‌گرایی اطلاعات می‌انجامد و منجر به ایجاد گروه‌های اجتماعی در بین کاربران کتابخانه می‌شود. «نظریه اجتماعی انتقادی» می‌تواند مبنای نظری مناسبی را برای استفاده از ویژگی‌های وب ۲ به عنوان ابزاری برای تشویق کاربران جهت مشارکت در کتابخانه‌ها به عنوان یک «فضای عمومی» فراهم کند. فضای عمومی فضایی است که فرایندهای مردم‌سالارانه گفتمان عمومی در آن انجام می‌شود (Pentarchou 2014). کتابخانه‌ها می‌توانند با بهره‌گیری از قابلیت‌های تعاملی و مشارکتی وب ۲ فضای عمومی مناسبی را برای کاربران فراهم می‌کنند تا آنان بتوانند با دیدگاه‌های خود مفاهیم، واژه‌ها و برجسب‌های اجتماعی مورد نظر خود را به منابع اطلاعاتی اختصاص دهند و بدین طریق در راستای مردم‌سالاری واقعی در فرایند اطلاع‌رسانی مشارکت کنند.

کتابداران از همه استانداردها استفاده می‌کنند تا بتوانند نقاط دسترسی بهتر و بیشتری را برای کاربران فراهم کنند. کتابخانه‌ها برای اینکه بتوانند به هدف خود برسند ضرورت دارد همکاری بین کتابداران و کاربران را تشویق کنند و مردم‌سالارانه کردن محیط کتابخانه را ارتقا بخشند (Pentarchou 2014). کاربران مختلف با توجه به تجربه‌ها و دانشی که کسب کرده‌اند،

<sup>1</sup> emancipation

<sup>2</sup> communicative action

مفاهیم متفاوتی در ذهن دارند و از واژه‌ها و برجسب‌های اجتماعی متفاوتی برای بیان آن مفاهیم استفاده می‌کنند، بدین طریق نقاط دسترسی متفاوت و بیشتری به وجود می‌آید.

سرعنوان‌های موضوعی، طرح‌های رده بندی و واژگان مهار شده عموماً سوگیری‌های ناشی از فرهنگ‌هایی را که در آن‌ها خلق شده‌اند منعکس می‌کنند. این ابزارها مفاهیمی را که در متن آن فرهنگ‌ها حاکم هستند بازنمون می‌کنند و مفاهیمی را که بیرون از این فرهنگ‌ها هستند به حاشیه می‌رانند (Olson 1998). کتابداران باید از مسئولیت اخلاقی که نسبت به «دیگری»<sup>۱</sup> دارند آگاه باشند (Olson 1993) و محدودیت‌هایی را که استانداردهای حاکم تحمیل کرده‌اند بشکنند تا صدای کسانی که به حاشیه رانده شده‌اند نیز شنیده شود (Pentarchou 2014). قابلیت‌های وب ۲ و به تبع آن قابلیت‌های کتابخانه ۲ این امکان را برای کاربران فراهم کرده است که بتوانند در فرایندهای سازماندهی اطلاعات که قبل از این تحت تسلط کتابداران بود تأثیرگذار باشند. کاربران می‌توانند با برجسب‌های اجتماعی متفاوتی که به منابع اطلاعاتی تخصیص می‌دهند، به طور مردم-سالارانه‌ای در سازماندهی اطلاعات مشارکت کنند و مفاهیم و واژه‌های مورد نظر خود را به عنوان نقاط دسترسی جدیدی که ممکن است با نقاط دسترسی تعیین شده توسط کتابداران متفاوت باشند به منابع اطلاعاتی تخصیص دهند. آلسن (۲۰۰۱) و پنتارچو (۲۰۱۴) معتقدند که برجسب‌گذاری اجتماعی روشی است که کتابداران می‌توانند از طریق آن اقتدار خود بر دانش را با کاربران به اشتراک بگذارند.

#### ۴. سازه گرایی اجتماعی

سازه‌گرایی اجتماعی این پیش فرض را دارند که درک افراد از جهان، به شیوه زندگی و کار آنها بستگی دارد. افراد معانی ذهنی خود را با توجه به تجربه‌هایشان شکل می‌دهند. معانی به چیزها یا شیء‌هایی معین مربوط می‌شوند. این معانی متنوع و متعدد هستند. اغلب، معانی ذهنی از نظر اجتماعی و تاریخی مورد بحث قرار می‌گیرند. این معانی ذهنی فقط به صورت فردی شکل نمی‌گیرند، بلکه از طریق تعامل با دیگران و هنجارهای تاریخی و فرهنگی که در زندگی فرد وجود

<sup>1</sup> otherness

دارند شکل می گیرند. پژوهشگران سازه گرایی اجتماعی اغلب فرایند تعامل بین افراد را مورد توجه قرار می دهند. آنها بر بافت خاصی که افراد در آن زندگی و کار می کنند متمرکز هستند و بدین طریق جایگاه فرهنگی و تاریخی مشارکت کنندگان را در نظر می گیرند. پیش زمینه های ذهنی و اجتماعی افراد تفسیر آنان را شکل می دهد (Creswell 2003). عناصر مهم در نظریه سازه گرایی اجتماعی عبارتند از: الف- انسان ها تجربه هایشان را از طریق خلق یک الگو از جهان اجتماعی و چگونگی کارکرد آن شکل می دهند و ب- زبان، یک نظام ضروری است که از طریق آن انسان ها واقعیت را می سازند (Leeds-Hurwitz 2009). سازه گرایی اجتماعی تصدیق می کند که واقعیت ها در قالب سازه های روانی غیر محسوس و چندگانه، اجتماعی و مبتنی بر تجربه، محلی و خاص دریافت می شوند و شکل و محتوایشان به اشخاص یا گروه ها بستگی دارد (Guba and Lincoln 1994). مفاهیم شکل گرفته در ذهن انسان ها به تجربه های شخصی و اجتماعی اندوخته شده و دانش کسب شده توسط آنها بستگی دارد و این مفاهیم متفاوت ممکن است توسط انسان های مختلف در قالب های واژه های متفاوتی بیان شوند.

بر طبق نظر کراتی<sup>1</sup> (۱۹۹۸) در سازه گرایی اجتماعی همه واقعیت های معنی دار به فعالیت های انسانی بستگی دارند، در تعامل بین انسان ها و جهان شان ساخته می شوند و در یک بافت اجتماعی شکل می گیرند و منتقل می شوند. فرض مبنایی این است که معناها با مشارکت فعال انسان ها ساخته می شوند. همچنین دافی و جوناسن<sup>2</sup> (۱۹۹۲) معتقدند که در سازه گرایی اجتماعی معناها در جهان توسط خود ما ساخته می شوند نه اینکه در جهان از قبل و مستقل از ما وجود داشته باشند. راه های زیادی برای ساخت جهان و معانی یا دیدگاه های چندگانه ای برای هر واقعه یا مفهوم وجود دارد. این دیدگاه بر عکس دیدگاه عینی گرایی است که حقیقت و معانی را مستقل از هر آگاهی در خود اشیاء می بیند.

تتش بین سازماندهی سلسله مراتبی و مشارکتی بر مبنای این سؤال فلسفی مطرح می شود که آیا جهان، مفهوم را می سازد یا ما مفهوم جهان را می سازیم؟ اگر شما باور دارید که جهان، مفاهیم را

<sup>1</sup> Crotty

<sup>2</sup> Duffy and Jonassen



می‌سازد، پس هر کسی که تلاش می‌کند مفهومی از جهان بسازد که با مفهوم شما از جهان متفاوت است، در واقع شما را در شرایطی قرار می‌دهد که نیاز دارید به طور رسمی خودتان را با آن تطبیق دهید، زیرا اگر آنرا اشتباه بدانید، در واقع آنرا درباره جهان واقع اشتباه دانسته‌اید (Shirky 2005). با این فرض که واقعیت، مشروط به افرادی است که از جهان مفهوم‌سازی می‌کنند، بحث اصلی این است که ابر داده‌های فعلی عمدتاً مستند و سلسله‌مراتبی هستند و از «دیدگاه هستی‌شناختی عینی‌نگر»<sup>۱</sup> تبعیت می‌کنند. از این دیدگاه فقط یک راه حل واحد برای مسائل وجود دارد (Alemu, Stevens, and Ross 2012). در صورتیکه، از دیدگاه هستی‌شناختی سازه-گرایی اجتماعی به تعداد انسان‌ها ممکن است راه حل وجود داشته باشد، زیرا جهان‌هایی که انسان‌ها در آنها زندگی می‌کنند متفاوت است، پس مفاهیمی که در ذهن آنان شکل می‌گیرد نیز ممکن است متفاوت و متنوع باشند.

ابزارهای ارتباط از راه دور مانند پست الکترونیکی و اینترنت ابزارهای لازم برای گفتگو، بحث و جدل را فراهم می‌کنند و این تعامل منجر به ساخت معانی می‌شود. نرم‌افزارهای شبکه‌های اجتماعی یک سکوی منحصر به فرد برای نوشتن مشارکتی هستند. توسعه‌های اخیر مانند رسانه‌های اجتماعی مبتنی بر وب، گسترش برجسب‌گذاری اجتماعی، رواج نرم‌افزارهای شبکه‌های اجتماعی، حرکت به سمت پذیرش دیدگاه‌های متنوع و «معانی مصالحه شده»<sup>۲</sup> و تمایل عمومی و ضمنی برای رسیدن به یک دیدگاه خنثی همه علامت‌هایی هستند که پرداختن به دیدگاه سازه‌گرایی اجتماعی را ضروری کرده‌اند (Alemu, Stevens, and Ross 2012). افزون بر این، سازه-گرایی اجتماعی بر هم‌کنش‌پذیری ابر داده‌های معنایی نیز تأثیرگذار است. طبق تعریف، هم‌کنش-پذیری معنایی به مسائل مربوط به اشتراک و تبادل اطلاعات می‌پردازد. هدف هم‌کنش‌پذیری ابر داده‌های معنایی این است که اشتراک و تبادل اطلاعات را از طریق معانی منتقل شده در اصطلاح‌ها و واژه‌ها فراهم کند (Veltman 2001). رویکرد سازه‌گرایی اجتماعی می‌تواند مبانی لازم برای پذیرش فناوری‌های وب ۲ را توسط کتابخانه‌ها و سایر سازمان‌های نگهدارنده

<sup>۱</sup> objectivist ontological viewpoint

<sup>۲</sup> negotiated meanings

میراث فرهنگی فراهم کند. با پذیرش رویکردهای اجتماعی، ابرداها غنی می‌شوند و دیدگاه‌ها و نظرات متنوع کاربران منعکس می‌شود (Alemu, Stevens, and Ross 2012). سازه‌گرایی اجتماعی در مقابل دیدگاه هستی‌شناسی عینی‌نگر که فقط بر دیدگاه‌های فردی مستندساز تأکید دارد، بر دیدگاه‌های متفاوت و متنوع کاربران تأکید دارد. افراد در جهان‌های فردی و اجتماعی متفاوتی زندگی می‌کنند و دیدگاه‌های متفاوتی به دست می‌آورند که بر مفاهیم شکل گرفته در ذهن‌شان تأثیرگذار است. این مفاهیم متفاوت می‌توانند در قالب‌های واژه‌ای متفاوت و برجسب‌های اجتماعی مختلفی بیان شوند.

#### ۵. نسبی‌گرایی

نسبی‌گرایی فلسفی می‌تواند مبنای نظری رده‌بندی‌های مردمی در نظر گرفته شود. در رده‌بندی‌های مردمی «الف با ب ارتباط نسبی دارد»<sup>۱</sup>، زیرا برجسب‌های تخصیص داده شده به هر منبع اطلاعاتی به نظر کاربران بستگی خواهد داشت؛ بدین ترتیب محدودیت‌های رده‌بندی‌های سنتی مانند «الف ب نیست»<sup>۲</sup> رفع می‌شود. مثلاً، موضوع‌های یک کتاب خاص فقط به موضوع‌های از قبل مشخص شده در سرعنوان‌های موضوعی محدود نمی‌شود و کاربران هم می‌توانند موضوع‌های مورد نظرشان را به کتاب اختصاص دهند و ممکن است موضوع‌هایی را اختصاص دهند که با موضوع‌های داده شده توسط کتابداران متفاوت باشند، بنابراین قطعیت در موضوع‌دهی وجود ندارد. فلسفه نسبی‌گرایی این امکان را برای کاربران فراهم می‌کند که با دیدگاه‌های مختلف منبع اطلاعاتی را برجسب‌گذاری کنند و فقط بر دیدگاه‌های یک فهرست‌نویس خاص برای موضوع‌دهی تأکید نکنند. بنابراین، برجسب‌های تخصیص داده شده به نظر هر کاربر بستگی خواهد داشت و نسبی است. به طور یقین، دریافتهای ذهنی هر یک از افراد تحت تأثیر تجربه‌ها و فرهنگ او خواهد بود، در صورتی که فهرست‌نویس حرفه‌ای، حتی اگر سعی کند سوگیری نداشته باشد، فقط یک دیدگاه را نمایندگی می‌کند (Peterson 2006). رویکرد نسبی‌گرا در مقایسه با رویکرد سنتی غیرنسبی و مطلق سازماندهی اطلاعات، این امکان را فراهم می‌کند که کاربران بتوانند با استفاده از قابلیت‌های تعاملی و مشارکتی وب ۲ و کتابخانه ۲ دیدگاه‌های خود را در قالب مفاهیم، واژه‌ها و برجسب‌های اجتماعی متفاوتی بیان کنند.

<sup>۱</sup> A is relative to B

<sup>۲</sup> A is not B

با وجود مزیت‌هایی که رده بندی‌های مردمی مبتنی بر نسبی‌گرایی برای سازماندهی اطلاعات دارند و امکان ارائه دیدگاه‌های مختلف و متنوع کاربران را فراهم می‌کنند، اما رده بندی‌های مردمی معایبی نیز دارند که به معایب ذاتی نسبی‌گرایی فلسفی بر می‌گردد. پیترسن (۲۰۰۶) درباره معایب رده بندی‌های مردمی مبتنی بر نسبی‌گرایی اظهار می‌کند که اگر امکان ورود همه دیدگاه‌ها در واژگان مهار شده فراهم شود ممکن است منجر به عدم یکدستی شود و یک اثر خاص ممکن است درباره الف باشد و درباره الف نباشد. مثلاً ممکن است دو کاربر به یک اثر خاص، موضوع‌های متفاوتی بدهند. مسأله این نیست که یک فرد خاص تفسیرهای شخصی و خاص خود را از اثر دارد، بلکه مسأله این است که تفسیرهای چندگانه افراد که در قالب برجسب‌های متنوعی خود را نشان می‌دهند منجر به عدم یکدستی در طرح رده‌بندی می‌شوند. بدین ترتیب، ویژگی بارز واژگان مهار شده که همان حفظ یکدستی است با تدوین واژگان مهار شده بر مبنای رویکرد نسبی‌گرا ممکن است از بین برود. از طرف دیگر، پیترسن (۲۰۰۶) به برخی دیگر از مسائل رده بندی‌های مردمی از دیدگاه نسبی‌گرایی نیز می‌پردازد. برجسب‌های اجتماعی تخصیص داده شده صرفاً در هم برهم نیستند و می‌توانند نادرست یا متضاد هم باشند. مثلاً یک کاربر ممکن است به یک منبع اطلاعاتی برجسب «اسب سفید» و کاربر دیگر به همان منبع برجسب «اسب سیاه» را تخصیص دهد. برجسب‌های اجتماعی تخصیص داده شده به یک منبع اطلاعاتی ممکن است برای برخی از گروه‌های خوانندگان درست و برای برخی دیگر نادرست باشند. بنابراین، رده بندی‌های مردمی این امکان را فراهم می‌کنند که برجسب‌های درست و نادرست با همزیستی موجودیت پیدا کنند. از آنجایی که برجسب‌ها نسبی، شخصی و سلیقه‌ای هستند، اما علی‌رغم عدم یکدستی می‌توانند با یکدیگر همزیستی داشته باشند. خوانندگان منبع اطلاعاتی به مفسرهای شخصی تبدیل می‌شوند که ممکن است با قصد پدیدآورنده موافق نباشند.

هر کاربر اینترنت که در معرض یک منبع اطلاعاتی قرار می‌گیرد زمینه‌های فرهنگی و زبان‌شناختی متفاوتی دارد و ممکن است از برجسب‌های متفاوتی برای بیان مفاهیمی که در ذهن دارد استفاده کند. از نظر پیترسن (۲۰۰۶) این ویژگی ذاتی و نقطه قوت رده بندی‌های مردمی است، زیرا از این طریق می‌توان بسیاری از دیدگاه‌های افراد را شناسایی کرد. اما همین ویژگی می‌تواند منجر به ایجاد برجسب‌هایی متضاد شود. یک طرفدار نظام رده بندی مردمی ممکن است اینگونه پاسخ دهد که این اشکال درست نیست، زیرا برجسب‌ها نسبت به هر کاربر نسبی هستند. بنابراین، در نظام رده بندی مردمی، برجسب‌گذاری عدم یکدستی را به وجود می‌آورد و طرح سنتی رده‌بندی

در مقایسه با رده بندی‌های مردمی که مبتنی بر نسبی‌گرایی هستند نتایج بهتری را برای جستجوگران اطلاعات به همراه خواهد داشت.

استفاده از رویکرد نسبی‌گرایی برای سازماندهی اطلاعات و به طور خاص برای رده بندی‌های مردمی این مزیت را دارد که دیدگاه‌های مختلف و متنوع کاربران قابلیت بروز پیدا می‌کنند، اما از طرف دیگر ممکن است عدم یکدستی در بیان مفاهیم و واژه‌ها را به همراه داشته باشد و هر یک از کاربران با توجه به زمینه‌های ذهنی و اجتماعی خود مفاهیم خاص خود را به کار برد. استفاده از رویکرد نسبی‌گرایی ممکن است جامعیت بازیابی اطلاعات را افزایش دهد، اما ممکن است موجب شود مانعیت بازیابی اطلاعات نیز کاهش یابد.

## 6. مهمان نوازی و واسازی از دیدگاه دریدا

ژاک دریدا یک فیلسوف پسا ساختارگرا در قرن بیستم میلادی است که دیدگاه‌های خاصی را درباره زبان، معنا، دانش و ماهیت متن مطرح کرده است. یکی از دیدگاه‌های مطرح شده توسط وی دیدگاه فلسفی-زبانی است که وی آنرا «واسازی»<sup>1</sup> نامیده است. این اصطلاح در زبان فارسی با معادل‌های دیگری مانند «شالوده‌شکنی» و «ساختار شکنی» نیز ترجمه شده است. مفهوم «واسازی» بر دیدگاهی درباره معنای کلمات استوار است. دریدا معتقد است که زبان ایستا نیست و معنا از یک متن به متن دیگر و از فردی به فردی دیگر تغییر می‌کند. دریدا بر این اعتقاد است که هیچ متنی معنای ثابتی ندارد و با توجه به ذهنیت افراد معنایی متفاوت قابل برداشت است. با استفاده از «واسازی» این امکان فراهم می‌شود که صدای «دیگری» که در گفت‌وگوهای مسلط به حاشیه رانده شده است، شنیده شود. از مفهوم «واسازی» برای تبیین مبانی نظری در حوزه‌های مختلفی استفاده شده است. برخی پژوهشگران علم اطلاعات و دانش‌شناسی مانند فاکس و ریس<sup>2</sup>، دریدا و دوفورمنتیل<sup>3</sup>، می<sup>4</sup>، آلسن و دئوداتو<sup>5</sup> نیز از این مفهوم برای تبیین مبانی نظری در حوزه سازماندهی اطلاعات بهره گرفته‌اند. در ادامه، چگونگی ارتباط «واسازی» با نظام‌های سنتی سازماندهی اطلاعات مانند واژگان مهار شده و نظام‌های نوین سازماندهی اطلاعات مانند رده بندی‌های مردمی تشریح می‌شود.

<sup>1</sup> deconstruction

<sup>2</sup> Fox and Reece

<sup>3</sup> Derrida and Dufourmantelle

<sup>4</sup> Mai

<sup>5</sup> Deodato

برای تبیین این رویکرد تعریفی از مهمان‌نوازی به معنای سنتی و مهمان‌نوازی به معنایی که مورد تأیید دریدا است بیان می‌شود. سپس به ارتباط این رویکرد با برجسب‌گذاری اجتماعی و واژگان مهار شده پرداخته می‌شود.

مهمان‌نوازی اصیل باید به صورت مطلق و غیرمشروط انجام شود. به طور آرمانی، هر کسی که بخواهد به خانه‌ای وارد شود باید در آستانه در خانه یک نظام خاص را بپذیرد. در واقع، هر کسی که به خانه‌ای وارد می‌شود یک تهدید بالقوه فرض می‌شود، بنابراین ما مجموعه‌ای از محدودیت‌ها را برایش وضع می‌کنیم. هر زمان که وضعیت اضطراری پیش بیاید، در خانه بر روی همه افراد بسته می‌شود. به دلیل سوءظنی که وجود دارد این انسداد رخ می‌دهد و این انسداد امکان «فراگیرندگی»<sup>۱</sup> را حذف می‌کند (Fox and Reece 2013). دریدا با وجود مشکلاتی که ممکن است مهمان‌نوازی غیرمشروط در پی داشته باشد، اظهار می‌کند که فقط مهمان‌نوازی غیرمشروط می‌تواند امکان فراگیرندگی و عدالت را فراهم کند. در قلب مهمان‌نوازی مفهوم اعتماد وجود دارد (Fox and Reece 2013; Derrida and Dufourmantelle 2000).

گذار از «الگوی جامع علوم»<sup>۲</sup> که برخی از دانشمندان مطرح آن در حوزه کلی دانش ارسطو و بیکن هستند و در حوزه علم اطلاعات و دانشناسی «دیویی، سیرز، ریچاردسن و بلیس»<sup>۳</sup> هستند به الگویی پسانوین که بر ماهیت اجتماعی و بافت‌گونه دانش تأکید دارد در حال وقوع است. در الگوی جدید، نظام‌های سازماندهی متنوع کاربرگرا یا جامعه محور جایگزین رده‌بندی‌های واحد، عینی و «وحی منزل‌گونه»<sup>۴</sup> شده‌اند (Mai 2004). مانع اصلی تفسیر پست مدرن از سازماندهی دانش، مهار کتابشناختی است. یکی از راه‌حل‌ها این است که نظام‌های رسمی سازماندهی دانش با نظام‌های رده‌بندی مردمی و برجسب‌های اجتماعی تکمیل شوند تا بدین طریق صدای کاربران شنیده شود (Fox and Reece 2013).

<sup>1</sup> inclusiveness

<sup>2</sup> universalist paradigm

<sup>3</sup> Dewey, Sears, Richardson and Bliss

<sup>4</sup> God's eye view

در سازماندهی دانش، استانداردهایی که برای مهار کتابشناختی وضع شده‌اند، قوانینی هستند که نقش مهارکننده در آستانه در خانه را ایفا و همه چیز مانند واژگان، ساختار، مرزهای مقوله‌ها، موضوع‌ها و سایر تفاسیر مربوط به معنی و متن را مهار می‌کنند. این استانداردها به مثابه شکلی ضروری از سانسور عمل می‌کنند که غلط‌های املائی، ذهنیت‌ها، تفاسیر غیرغالب و سایر تفاوت‌ها را مهار می‌کنند (Fox and Reece 2013). به عبارت دیگر آنگونه که آلسن (۱۹۹۸) اخطار می‌دهد به کارگیری این استانداردها خطر حذف دیدگاه‌های دیگران را در پی دارد. از نظر دریدا و دوفورمنتل (۲۰۰۰) این رویکرد روش‌های خشونت آمیزی را که می‌توانند مفهومی، اخلاقی و گاهی فیزیکی باشند تأیید می‌کند. تأیید حق میزبان برای تحمیل قدرتش به مهمان یا غریبه یا دیگران، ظهور یک نظام قدرت را تقویت می‌کند و مهمان که یک اجنبی قلمداد می‌شود ناچار است به این محدودیت‌ها تن در دهد یا از خانه خارج شود. نمونه شناخته شده، رده ۲۰۰ رده بندی دهدهی دیویی است که بیشتر رده‌های آن به موضوع‌های مربوط به مسیحیت اختصاص داده شده و به بقیه ادیان جهان، فقط رده ۲۹۰ اختصاص داده شده است (Fox and Reece 2013). همچنین، در رده ۸۰۰ رده بندی دیویی، هشت رده به ادبیات‌های غربی اختصاص داده شده است و فقط یک رده به سایر ادبیات‌ها که غیر غربی هستند، اختصاص داده شده است. اگر کسی بخواهد از رده بندی دهدهی دیویی استفاده کند باید به شرایط تحمیل شده تن در دهد یا اصلاً ورود و استفاده نکند. به نظر می‌رسد تخصیص این رده‌ها، با توجه به شرایط و مقضیات کشور تدوین کننده رده بندی و حوزه‌های موضوعی کتاب‌های آن کشور تعیین شده است. بنابراین، در کشورهای مختلف با توجه به نیازهای ملی و بومی خودشان، امکان گسترش رده بندی‌ها در همان محدوده تعیین شده امکان پذیر شده است.

از نگاه دریدا، برجسب گذاری اجتماعی که مهار کتابشناختی را کنار گذاشته است، می‌تواند در حوزه سازماندهی دانش مهمان‌نوازی غیرمشروط را عملیاتی کند (Fox and Reece 2013). اما، مهمان‌نوازی غیرمشروط در بهترین وجه، آنگونه که دریدا حکم می‌کند ممکن است مشکلاتی را نیز به وجود آورد. از نظر فاکس و ریس (۲۰۱۳) برجسب گذارها صدای دیگران را به گوش می‌رسانند، اما ممکن است محتوای منبع اطلاعاتی را به سهو یا عمد اشتباهی بازنمون

کنند؛ غلط‌های املائی داشته باشند؛ از واژه‌های متضاد، ناخوشایند و نامسجم استفاده و امکان رسیدن به یک اجماع درباره موضوع منبع اطلاعاتی را سخت کنند. در محیط‌های برجسب‌گذاری کمترین حد ژرف‌بینی اعمال، اما به بهترین وجه فراگیری دیدگاه‌ها امکان‌پذیر و به طور همزمان فرصت برای اجتماعی شدن یا ضداجتماعی شدن فراهم می‌شود. در مقابل در رده‌بندی‌های کتابخانه بالاترین حد ژرف‌بینی در استانداردسازی‌ها اعمال می‌شود. تفاوت در ژرف‌بینی را می‌توان در «لایبرری‌تینگ»<sup>۱</sup> و کتابخانه‌کنگره مشاهده کرد.

برجسب‌گذاری اجتماعی بازتاب‌کننده صدای جامعه کاربران است و محدودیت‌های استاندارد-های سازماندهی دانش برای دسترسی موضوعی را ندارد. برجسب‌گذاری امکان ارائه چشم اندازه‌های مختلف را فراهم می‌کند. دریدا با استفاده از مفهوم «واسازی» استدلال می‌کند که مهمان‌نوازی کامل یا غیرمشروط تأمین‌کننده عدالت برای دسترسی و فراگیرندگی است. «واسازی» ابهام ذاتی در مفاهیم را تصدیق می‌کند و انبوه مفاهیمی که برجسب‌گذارها تخصیص می‌دهند تأییدکننده وجود آن هستند (Fox and Reece 2013). دثوداتو (۱۳۹۵) معتقد است "یک رهیافت «واسازانه» راستین به جای اینکه صرفاً یک استاندارد را به جای استاندارد دیگر بگذارد، مرزهای استاندارد مسلط را سوراخ سوراخ می‌کند تا صداهای دیگر امکان شنیده شدن داشته باشند". افزون بر این، از نظر دثوداتو (۱۳۹۵) پیدایش فناوری‌های نوین مانند فناوری‌های وب ۲ امکان شنیدن صدای دیگران را فراهم کرده است. کاربران با استفاده از قابلیت‌هایی مانند برجسب-گذاری اجتماعی می‌توانند تعابیر خاص خودشان را بیان کنند و با سایر کاربران به اشتراک بگذارند. بدین ترتیب، کتابداران بخشی از اختیارات خود در سازماندهی دانش را به کاربران، بویژه کاربران به حاشیه رانده شده واگذار می‌کنند تا ساختارهای خاص خودشان برای سازماندهی دانش را پدید آورند.

مهمان‌نوازی از دیدگاه دریدا یا مهمان‌نوازی غیرمشروط در مقابل مهمان‌نوازی از نگاه سنتی یا مهمان‌نوازی مطلق قرار دارد. در مهمان‌نوازی از نگاه سنتی مهمان باید چارچوب تعیین شده توسط

<sup>1</sup> LibraryThing

میزبان را محترم بشمرد و رعایت کند، بنابراین محدودیت‌ها یا معذوریت‌هایی برای مهمان به وجود می‌آید. اما در مهمان‌نوازی غیرمشروط دریدا، مهمان آزادی عمل دارد و بدون محدودیت‌های معمول سنتی می‌تواند در خانه میزبان حضور داشته باشد و فعالیت کند. در دنیای سازماندهی اطلاعات، مصادیق مهمان‌نوازی سنتی و مهمان‌نوازی غیرمشروط را می‌توان در دو نظام سازماندهی سنتی و نظام سازماندهی نوین یعنی رده بندی های مردمی مشاهده کرد. در نظام سازماندهی سنتی مهار واژگانی در یک نظام مشخص از پیش طراحی شده انجام می‌شود و میزبان یعنی کتابداران یا فهرست‌نویسان مفاهیم و واژگانی را که نماینده آن مفاهیم هستند انتخاب می‌کنند و کاربران که در واقع مهمانان کتابخانه هستند به ناچار باید در همان چارچوب مشخص شده حرکت کنند و به جستجو و بازیابی اطلاعات بپردازند. اما در نظام‌های رده بندی مردمی به کاربران آزادی عمل داده می‌شود و کاربران بدون رعایت چارچوب‌هایی خاص می‌توانند مفاهیمی را که در ذهن دارند با برجسب‌های مورد نظر خود بیان کنند.

#### ۷. نتیجه گیری

رویکردهای نظری مطرح شده یعنی نظریه اجتماعی انتقادی، سازه‌گرایی اجتماعی، نسبی‌گرایی، واسازی و مهمان‌نوازی دریدایی می‌توانند مبنای نظری مناسبی را برای قضاوت درباره قابلیت‌ها و ویژگی‌های نظام سنتی سازماندهی اطلاعات و نظام رده بندی های مردمی به ما ارائه کنند. با استفاده از این رویکردهای نظری می‌توان به طور مبنایی درباره مزایا و معایب رده بندی های مردمی و برجسب‌های اجتماعی و مقایسه آنها با واژگان مهار شده قضاوت کرد. روی هم رفته می‌توان گفت که تقریباً در همه رویکردهای نظری بررسی شده بر این نکته تأکید شده است که افراد و کاربران در دنیاهای متفاوتی زندگی می‌کنند و با توجه به شرایط فردی و اجتماعی خود از تجارب و دانش‌های متفاوتی برخوردار هستند، بنابراین مفاهیمی متفاوت در ذهن آنها شکل گرفته است و از واژه‌هایی متفاوت برای بیان این مفاهیم استفاده می‌کنند که از یک کاربر تا کاربر دیگر متفاوت است. این تنوع مفاهیم در قالب برجسب‌های اجتماعی و رده بندی های مردمی قابلیت بروز دارد. اما در نظام سازماندهی اطلاعات واژگان مهار شده فقط مفاهیمی که در ذهن کتابدار یا فهرست‌نویس یا مستندساز وجود دارند قابلیت بروز دارند که ممکن است با مفاهیمی که در ذهن



کاربران هستند متفاوت باشند. همچنین در این نظریه‌ها بر نسبی بودن مفاهیم و واژه‌ها در کاربران مختلف تأکید شده است. نسبی بودن می‌تواند مسأله عدم یکدستی را به وجود بیاورد. یکدستی در واژگان مهار شده مورد توجه قرار گرفته است و از نقاط قوت این نظام محسوب می‌شود در حالیکه در رده بندی های مردمی به عنوان یک نقطه ضعف تلقی می‌شود. استفاده از رویکردهای نظری مربوط به سازماندهی اطلاعات با استفاده از رده‌بندی‌های مردمی، ممکن است جامعیت بازیابی اطلاعات را افزایش دهند، اما ممکن است مانعیت بازیابی اطلاعات را نیز کاهش دهند. در نهایت اینکه، قضاوت درباره مناسب بودن مبانی نظری رده‌بندی‌های مردمی و مقایسه آن‌ها با واژگان مهار شده، باید بر مبنای یافته‌های پژوهشی و در نظر گرفتن همه جوانب انجام شود. مبانی نظری واژگان مهار شده در طول زمان در عمل کارایی خود را نشان داده و در پژوهش‌های انجام شده نقاط قوت و ضعف این نظام آشکار شده است. اما در حوزه جدید رده‌بندی‌های مردمی نیاز است که مبانی نظری مطرح شده با استفاده از پژوهش‌های بیشتر آزمون شود و مزایا و معایب آن نمایان شود. در حال حاضر، یافته‌های پژوهش‌هایی که به مقایسه رده‌بندی‌های مردمی و واژگان مهار شده پرداخته‌اند، نشان می‌دهند که بجای جایگزینی باید بر مکمل بودن این دو نظام تأکید شود. بدین ترتیب، در یک نظام سازماندهی اطلاعات هیبریدی، نقاط قوت و ضعف این دو نظام یکدیگر را پوشش خواهند داد.



xx ۱۳ | دوره xx | شماره x

### فهرست منابع

دثوداتو، جوزف (۱۳۹۵). واسازی کتابخانه با ژاک دریدا: ایجاد فرصت و فضا برای «دیگری» در توصیف و طبقه‌بندی کتابشناختی. در نظریه انتقادی برای علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی: جست و جوی امر اجتماعی در لابه لای رشته علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی. گلوریا جی. لکی، لیزا ام. گیون و جان ئی بوشمن؛ مترجم فتاح محمدی؛ ویراستار مهدی شقاقی. تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور؛ نشر چاپار.

Alemu, G., Stevens, B. and Ross, P. 2012. Towards a conceptual framework for user-driven semantic metadata interoperability in digital libraries: A social constructivist approach. *New Library World*, 113(1/2): 38-54.

Creswell, J. 2003. *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. (3<sup>rd</sup> ed.). Sage Publication, Thousand Oaks, CA. [http://www.sagepub.com/upm-data/22780\\_Chapter\\_1.pdf](http://www.sagepub.com/upm-data/22780_Chapter_1.pdf) (Accessed October, 11 2015).

Crotty, M. 1998. *The foundations of social research: Meaning and perspective in the research process*, SAGE Publications Ltd., London.

Derrida, J. and Dufourmantelle, A. 2000. *Of Hospitality: Anne Dufourmantelle invites Jacques Derrida to respond* (trans. R. Bowlby). Stanford UP., Stanford, Calif.

Duffy, T. M. and Jonassen, D. H., 1992. *Constructivism and the technology of instruction: A conversation*, Lawrence Erlbaum Associates, Inc., Publishers, Hillsdale, New Jersey.

Fox, M. and Reece, A. 2013. The Impossible Decision: Social Tagging and Derrida's Deconstructed Hospitality. *NASKO*, 4(1). <http://journals.lib.washington.edu/index.php/nasko/article/view/14645> (Accessed October, 12 2015).

Guba, G. and Lincoln, S. 1994. Competing paradigms in qualitative research. Chapter 6 in Denzin, N. K. and Lincoln, Y. S., eds., *Handbook of qualitative research*, 105-117, SAGE Publications Ltd., Thousand Oaks, CA.

Hansson, O. 2014. The state of research on folksonomies in the field of Library and Information Science: A Systematic Literature Review. <http://lup.lub.lu.se/luur/download?func=downloadFile&recordId=4451166&fileId=4451168> (Accessed October, 10 2015).

Jenkins, H. 2006. *Convergence culture: where old and new media collide*. New York: New York University Press.

Leeds-Hurwitz, W. 2009. Social construction of reality. In S. Littlejohn, & K. Foss (Eds.), *Encyclopedia of communication theory*. (pp.892-895). SAGE Publications, Inc., Thousand Oaks, CA.

Kipp, M. E. I. 2005. Complementary or discrete contexts in online indexing: A comparison of user, creator, and intermediary keywords. *Canadian Journal of Information and Library Science*, 29(4): 419-436.

Kipp, M. E. I. 2011. Tagging of Biomedical Articles on CiteULike: A Comparison of User, Author and Professional Indexing. *Knowledge Organization*, 38(3): 245-261.

Mai, J. 2004. Classification in context: Relativity, reality, and representation. *Knowledge Organization*, 31(1): 39-48.

Nashipudi, M. 2012. Web 2.0 and folksonomy. *International Journal of Digital Library Services*, 2(1): 29-35.

Olson, H. A. 1993. Assumptions of naming in information storage and retrieval: A deconstruction. In Canadian Association for Information Science, 1993. *Information as a global commodity: Communication, processing and use—21st Annual Conference*. Antigonish, Nova Scotia, 12-14 July 1993. [http://www.caisaci.ca/proceedings/1993/Olson\\_1993.pdf](http://www.caisaci.ca/proceedings/1993/Olson_1993.pdf) (Accessed August, 4 2015).

Olson, H. A. 1998. Mapping beyond Dewey's boundaries: Constructing classificatory space for marginalized knowledge domains. *Library trends*, 47(2): 233-254.

Olson, H. A. 2001. The power to name: Representation in library catalogs. *Signs*, 26(3), 639-668.

Pentarchou, K. 2014. *Web 2.0 tools integration in Online Public Access Catalogue (OPAC)—users desires and motivation*. Master Thesis in Informatics, Linnaeus University, Sweden.

Peterson, E. 2006. Beneath the metadata: Some philosophical problems with folksonomy. *D-Lib Magazine*, 12(11). <http://www.dlib.org/dlib/november06/peterson/11peterson.html> (Accessed August, 4 2015).

Shirky, C. 2005. Ontology is Overrated: Categories, Links, and Tags. *Clay Shirky's writings about the internet*. [http://shirky.com/writings/ontology\\_overrated.html](http://shirky.com/writings/ontology_overrated.html) (Accessed December, 5 2015).

Veltman, K. H. 2001. Syntactic and semantic interoperability: New approaches to knowledge and the semantic web. *New Review of Information Networking*, 7(1): 159-183.

Wu, D., He, D., Qiu, J., Lin, R. and Liu, Y. 2013. Comparing social tags with subject headings on annotating books: A study comparing the information science domain in English and Chinese. *Journal of Information Science*, 39(2): 169-187.

## Folksonomies versus controlled vocabularies:

### Theoretical approaches

**Mahdi Khademian**

PhD in Knowledge and Information Science;

National Library and Archives of Iran

[Mahdik55@gmail.com](mailto:Mahdik55@gmail.com) (Corresponding author)

**Mortaza Kokabi**

Professor in Knowledge and Information Science;  
Shahid Chamran University of Ahvaz  
[Kokabi80@yahoo.com](mailto:Kokabi80@yahoo.com)

**Abstract**

The purpose is review the literature to identify the epistemological and theoretical approach to the folksonomies and compare them with the theoretical foundations of controlled vocabularies. This paper is a library research. A review of the literature, identify and review theoretical approaches related to the folksonomies includes Critical social theory, Social constructivism, Relativism, Derrida's deconstruction and hospitality and compared them with the theoretical foundations of controlled vocabulary .

In theoretical approaches emphasized that people and users are different and have their different experience and knowledge, So they formed different concepts in mind and used different words to express their concepts that are different from one user to another user. These diversity concepts is represented in folksonomies. But in controlled vocabularies, concepts that only exist in the minds of catalogers is represented which may different with concepts that are in the minds of users. On the other hand, relativity can create the lack of uniformity and it is considered a disadvantage for folksonomies. While, uniformity is considered in controlled vocabularies and is an strength for them. In conclusion reviewed theoretical approaches provide theoretical basis for judging folksonomies capabilities, advantages and disadvantages and comparing them to controlled vocabularies, but must consider findings in future researches.

**keywords:**

Folksonomies; social tagging; controlled vocabularies; critical social theory; social constructivism; relativism; Derrida's deconstruction and hospitality.





«مرتضی کویکی: متوگد سال ۱۳۳۰ دارای مدرک دکتری در رشته علم اطلاعات و دانش شناسی از دانشگاه نیوساوت ویلز استرالیا است. ایشان هم اکنون استاد بازنشسته گروه علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز است. فهرست نویسی کامپیوتری، مارک، و روش تحقیق از جمله علایق وی است.»



«مهدی خادمیان: متوگد سال ۱۳۵۵ دارای مدرک دکتری در رشته علم اطلاعات و دانش شناسی از دانشگاه شهید چمران اهواز است. ایشان هم اکنون کارشناس مستندسازی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران است. سازماندهی اطلاعات و مبانی نظری علم اطلاعات و دانش شناسی از جمله علایق وی است.»